

چرا آمریکا زیر پای اردوغان را خالی کرد؟

بحران سوریه باتلاقی بود که ترکیه را در خود فرو برد.

عادل/خبرگزاری آران
خبرگزاری آران/سرویس ترکیه

بحران سوریه باتلاقی بود که ترکیه را در خود فرو برد. آنکارا که زمام امور را در آغاز حرکت مردمی در سوریه در دست داشت، پس از انتقاد واشنگتن از شورای ملی سوریه، برگ های برنده خود را بر باد رفته می بیند

به گزارش آران نیوز به نقل از العالم، روزنامه لبنانی الاخبار در تحلیلی پیرامون علل تغییر موضع آمریکا در قبال نقش ترکیه در بحران سوریه نوشت:

موضع آمریکا در خصوص ایجاد تغییرات اساسی در شورای ملی سوریه بحث و جدل گسترده ای در محافل عربی و منطقه ای مرتبط با بحران سوریه ایجاد نمود، اما هرگز کسی درباره نقش ترکیه در تحولات ناگهانی منطقه سخن نگفت.

دولت رجب طیب اردوغان نخست وزیر ترکیه با میزبانی اولین نشست مخالفان سوری در اواخر مه 2011 در شهر آنتالیا موضعی زود هنگام نسبت به بشار اسد رییس جمهور سوریه اتخاذ و همه را شگفت زده کرد. تصمیم آنکارا به منظور برپایی اردوگاه های ویژه آوارگان سوری، حتی قبل از ورودشان به ترکیه، به همه ثابت کرد که دولت اردوغان از ابتدا می خواست نقش پیشرویی در پرونده سوریه ایفا نماید.

اما از همه مهمتر، هنگامی بود که آنکارا درهای اردوگاه هایش را در برابر سربازان جدا شده از نظام دمشق باز کرد تا "ارتش آزاد سوریه" را تشکیل دهند که منطقه انطاکیه، مرکز اصلی آنها و مقر اردوگاههای آشکار و پنهان آنهاست.

رسانه های گروهی غربی و ترک، به تفصیل از همکاری منطقه ای و بین المللی از طریق ترکیه علیه نظام دمشق از طریق ارائه حمایت مالی، نظامی و لجستیکی به ارتش آزاد و همه گروههای مسلح سخن گفته اند. اما این تحریک ترکیه برای تحقق هدف استراتژیک خود از طریق تبدیل "حلب" به بنغازی جدید، با ایجاد منطقه حائل در مناطق شمالی سوریه یا ایجاد مناطق ممنوع پرواز برای حمایت از گروههای مسلح کافی نبود.

پس از آن، دولت آنکارا در بهره برداری از سرنگونی هواپیمای ترکیه در آسمان سوریه در روز 22 ژوئن 2012 میلادی و اصابت چند گلوله خمپاره سوری به خاک خود، به منظور جلب حمایت پایتخت های غربی نیز به سختی شکست خورد، چون پیمان ناتو نپذیرفت که در تنش میان ترکیه و سوریه مداخله نماید، به این بهانه که توجیهات ترکیه غیرمنطقی بوده و برای اعلام جنگ علیه دمشق کافی نیست.

موضع متخاصم ترکیه در قبال دمشق با سخنان تکراری اردوغان و اوغلو آشکار شد و این دو همه امکاناتشان را به منظور نهادینه کردن دشمنی مردم ترکیه و حتی پایتخت های غربی با اسد به کار گرفتند؛ پیش از این که اردوغان به قربانی طرح های غرب تبدیل گردد و ترکیه با همه معادلات منطقه ای اش، در باتلاق سوریه گرفتار شود. در این میان، دیپلماسی ترکیه ثابت کرد که بسیاری از حقایق مهم به ویژه درباره ایران و روسیه را نادیده گرفته است. همین امر نشان می دهد که چرا آمریکا، زیر پای اردوغان و داوود اوغلو را خالی کرد؛ همان کسانی که ادعا می کردند همه برگ های برنده درباره سوریه را در دست دارند.

شورای ملی سوریه از ابتدا به این دو تکیه داشت، چه این که همه می دانستند اگر حمایت ترکیه نبود، اصولا این شورا به وجود نمی آمد. اما سخنان هیلاری کلینتون وزیر خارجه آمریکا ثابت کرد که آنکارا نسبت به شیوه های بازی پنهان و آشکار دیپلماتیک در سیاست خاورمیانه ناشی است و این سیاست صحنه رقابتهای پنهان و آشکار میان پایتخت های منطقه است. این موضوع علت اقدام اخیر آمریکا در قبال مخالفان سوری را تفسیر می کند، چرا که برای آنها مشخص شد حکومت و مردم سوریه همچنان منسجم هستند و آمریکا نمی تواند به مخالفان دل خوش کند.

کسی در سوریه و واشنگتن ذکر خیر ترکیه را نمی گوید. واکنش افکار عمومی ترکیه به دست داشتن اردوغان در رویدادهای سوریه و ضربه زدن به منافع ملی و قومی ترکیه هم غیر از این نیست. نکته مهم دیگر، وضع خطرناک منطقه کردنشین سوریه است که با موضوع کردهای ترکیه در ارتباط می باشد و هواداران حزب کارگران کردستان بر آن سیطره دارند.

سوال مهم آن است که آنکارا چه سود و منفعتی از این دخالت ماجراجویانه و خطرناک به دست آورد و به خاطر چه مسی در این ماجرا وارد شد؟

رسانه های گروهی به طور مستمر از شکست سیاستهای اوغلو سخن گفته و وی را مسئول این شکست خطرناک و همه نتایج و پیامدهای آن می دانند. نمونه بارز آن، دور کردن آنکارا از بازی سوریه و اعطای نقش ترکیه به قطر و شیخ حمد بن خلیفه آل ثانی - دوست صمیمی اردوغان &ndash؛ است، کسی که قبل از وی پیش دستی کرد و راهی غزه شد، در حالی که اردوغان در حال برنامه ریزی بود تا به عنوان نخستین حاکم یک کشور اسلامی به غزه سفر کند./ع

پایان پیام